



1/18/12 ✓



دانشگاه قم

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق خصوصی

عنوان :

وضعیت حقوقی معامله سفهی

استاد راهنما :

دکتر ابراهیم عبدی پور

استاد مشاور :

دکتر سید حسن وحدتی شبیری

نگارنده :

اعظم کریمی

تابستان ۱۳۸۷

کتابخانه و اطلاعیه مرکز علمی پژوهش
قم

۱۳۸۸/۷/۶

۱۱۸۳۱۷



« صورت جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد »

با تأییدات خداوند متعال و با استعانت از حضرت ولی عصر «عجل الله تعالی فرجه الشریف»

جلسه دفاعیه پایان نامه کارشناسی ارشد آقای/ خانم اعظم کریمی رشته : حقوق خصوصی

تحت عنوان: وضعیت حقوقی معامله سفهی

با حضور هیأت داوران در محل دانشگاه قم در تاریخ: ۱۳۸۷ / ۷ / ۲۳ تشکیل گردید.

در این جلسه، پایان نامه با موفقیت مورد دفاع قرار گرفت و نامبرده نمره با عدد ۱۸

حروف هجری

با درجه : عالی ④ بسیار خوب ③ خوب ② قابل قبول ① دریافت نمود.

نام و نام خانوادگی	سمت	مرتبه علمی	امضاء
آقای ابراهیم عبدی پور فرد	استاد راهنما	استاد یار	
آقای سید مسن ومدتی شبیری	استاد مشاور	استاد یار	
آقای ممسن قدیر	استاد ناظر	مربی	
آقای ممد صالحی مازندرانی	استاد ناظر	استادیار	
آقای مصطفی فضائی	نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی	استادیار	

نشانی:

قم، جاده قدیم اصفهان،

دانشگاه قم

کد پستی: ۳۷۱۶۱۴۶۶۱۱

تلفن: ۲۸۵۳۳۱۱

دورنویس:

معاونت آموزشی ۲۸۵۵۶۸۴

معاونت اداری ۲۸۵۵۶۸۶

معاونت دانشجویی ۲۸۵۵۶۸۸

مدیر امور آموزش و تحصیلات تکمیلی

نام و امضاء:

معاون آموزشی و پژوهشی دانشکده

نام و امضاء:

خبر آن روز کزین مرمله بر بندم باز

از سوی کوی تو پرسند رفیقان خبرم

بار الها ، تو را شاکرم ، بابت نعمات ، مهربانیت، احسانت و اینکه هیچگاه تنهاییم نگذاشتی . هرچند که شکرگذاری هر کدام از نعمات تو، آنگونه که زبیده دوست، در توان و قدرت آدمی نباشند. لیکن آرزوی آن همیشه در دلم نجوا می‌کند. و از آن گاه که وجود تو را شناختم، بدنیال تمقق یافتن این آرزو بودم، تا کمال ارادت و عشقم را نیز به تو نشان دهم و در برهه‌هایی از زندگی خود را ناتوان دیده، آن را امری محال دانستم. لیکن امروز می‌دانم، دشوار بودن آن نشأت گرفته از سهل‌انگاری و سفت دانستن آن می‌باشد چرا که تو هیچگاه بر بندگانت تکلیفی دشوار مقرر ننموده‌ای .

و امروز از تو می‌خواهم که این تمقیق ، تمفهای باشد در برابر احسان و لطفت به من و عشق و علاقه من به تو . هرچند که نقص آن بسیار است. اما تو این نقص‌ها را همچون همیشه به دیده اغماض نگریسته، از من بپذیر باشد که روزی آئی گردد که باید باشم.

تقدیر و تشکر ...

جناب آقای دکتر عبدی پور ، بدین وسیله از زحمات ارزشمند و راهگشای جنابعالی ،
کمال تشکر و قدردانی را دارم.

جناب آقای دکتر وحدتی شبیری ، از اینکه با نظریاتان مرا در بهتر شدن این تحقیق ،
یاری رساندید ، کمال تشکر را دارم.

و در نهایت از تمامی اعضای خانواده و دوستانم که در دوران جمع آوری این تحقیق ،
صبورانه مرا یاری رسانده ، از کوتاهی هایم در گذشتند ، تشکر نموده ، موفقیت و
سربلندی ایشان را در پناه ایزد منان ، آرزومندم.

چکیده

قرارداد وسیله تبادل ارزشها و منافع است و طرفین قرارداد قبل از انعقاد قرارداد با سنجش سود و زیان اقدام به انعقاد قرارداد می نمایند و به عبارتی در معاملات، تعهدات متعاملین و ارزش آنها دارای اهمیت اساسی می باشد. یکی از انواع معاملاتی که این امر در آن رعایت نگردیده است معاملات سفهی است که موضوع این پایان نامه به آن اختصاص یافته است. معاملات سفهی معاملاتی است که عقلاً معمولاً چنین معامله ای منعقد نمی نمایند و در نزد ایشان شایع نیست. بلکه معامله ای است که بیشتر از جانب افراد سفیه صادر می شود و شایسته حال ایشان است. این گونه معاملات از طرف شخصی منعقد می شود که رشید و عاقل و کامل است اما به جهت غفلت و مسامحه و یا انگیزه های خاص اقدام به چنین معامله ای می کند.

از عناصر اصلی چنین معاملاتی عدم تعادل اقتصادی بین عوضین و اهلیت کامل معامل می باشد.

در اغلب معاملات سفهی شخص در برابر چیزی عوض پرداخت می نماید که آن چیز مالیت و یا منفعت عقلایی ندارد و در بعضی موارد عوضی که شخص پرداخت می کند در مقابل چیزی است که مشروعیت ندارد. همچنین در بعضی موارد تعهدی که شخص بر عهده می گیرد کاملاً خارج از توان اوست.

مصدق بارزی که در این خصوص وجود دارد وضعیت افرادی است که بدون در نظر گرفتن توانایی مالی خود تحت تاثیر برخی احساسات تند اقدام به برعهده گرفتن مهریه های سنگین می کنند که البته در اغلب موارد قصد انجام این تعهد و به عبارتی قصد پرداخت مهریه فوق وجود ندارد.

لذا در بعضی موارد انعقاد معامله سفهی موجب خلل در ارکان اساسی عقد می شود. از اینرو به عقیده برخی از فقها این گونه معاملات، معاملات صحیحی نیستند و البته به عقیده برخی دیگر ادله عام صحت معاملات بر معاملات سفهی نیز حاکم بوده و موجب صحت و نفوذ آنها می باشد در حقوق کنونی با استناد ماده ی ۲۳۲ ق.م که قائل به بطلان شروط غیر مقدور و شروط لغو و بیهوده است و نیز ماده ۲۱۵ که موبد بطلان معاملات فاقد مالیت و منفعت عقلایی است و همچنین ماده ی ۳۴۸ که در بیان بطلان معاملاتی است که مورد معامله در آن مقدور التسلیم نمی باشد از این رو نظر اول صحیح و مورد قبول می باشد و لذا معاملات سفهی، معاملات فاسدی هستند و آثار معاملات صحیح در خصوص آنها مجری نمی باشد بلکه مشمول احکام معاملات فاسد می باشند. به همین دلیل شخصی که به موجب چنین عقدی مالی را تصرف کند مسئول استرداد عین آن مال و منافع آن به مالک خواهد بود.

واژه کلیدها

رشد و سفه، رشید و سفیه، معامله سفیه، معامله سفهی، عوضین معامله، مالیت، منفعت، ملکیت، قدرت تسلیم، صحت و بطلان.

عنوان	صفحه
مقدمه.....	۱
فصل اول: کلیات	
مبحث اول: مفهوم معاملات سفهی.....	۵
گفتار اول: تعریف معاملات سفهی.....	۵
بند اول-رشد.....	۵
بند دوم-سفه.....	۸
بند سوم-معاملات سفیه.....	۱۰
بند چهارم-معاملات سفهی.....	۱۲
۱- از دیدگاه فقها.....	۱۲
۲- از دیدگاه حقوقدانان.....	۱۷
گفتار دوم: تمایز معاملات سفهی از معاملات سفیه.....	۱۹
مبحث دوم: عناصر و ارکان معاملات سفهی.....	۲۳
گفتار اول: بررسی شرایط اساسی عقد در معاملات سفهی.....	۲۳
بند اول: قصد طرفین و رضای آنها.....	۲۳
بند دوم: اهلیت طرفین.....	۲۴
بند سوم: موضوع معین که مورد معامله باشد.....	۲۷
بند چهارم: مشروعیت جهت معامله.....	۳۰
گفتار دوم: عناصر اختصاصی معاملات سفهی.....	۳۱
بند اول: عدم تعادل اقتصادی بین عوضین.....	۳۱

- بند دوم: وجود اراده آگاه و آزادانه..... ۳۴
- بند سوم: عدم رعایت عدالت و انصاف..... ۳۵
- بند چهارم: عدم رعایت اصل حسن نیت..... ۳۸
- میحث سوم: قلمرو و مصادیق معاملات سفهی..... ۴۱
- گفتار اول: قلمرو معاملات سفهی..... ۴۱
- بند اول: عقود..... ۴۱
- بند دوم: ایقاعات..... ۴۳
- بند سوم: شروط ضمن عقد..... ۴۷
- گفتار دوم: مصادیق مشتبه معاملات سفهی..... ۴۸
- بند اول: اخذ اجرت بر واجبات..... ۴۸
- بند دوم: ضمّ ضمیمه..... ۵۴
- بند سوم: بیع محاقله و مزاینه..... ۵۸
- بند چهارم: بر عهده گرفتن مهریه های سنگین..... ۶۰

فصل دوم: صحت و بطلان معاملات سفهی

- مبحث اول: نظریه بطلان..... ۶۵
- گفتار اول: بطلان معاملات سفهی به دلیل عدم مالیت و یا منفعت نداشتن مورد معامله..... ۶۶
- بند اول: تعریف مال و مالیت..... ۶۸
- بند دوم: منفعت داشتن و رابطه آن با مالیت داشتن..... ۶۸
- بند سوم: ملاک تشخیص مالیت..... ۶۹
- بند چهارم: تاثیر مالیت نداشتن مورد معامله در بطلان معاملات سفهی..... ۷۰
- گفتار دوم: بطلان معاملات سفهی به علت ملک نبودن..... ۷۸

- گفتار سوم: بطلان به علت نامشروع بودن..... ۸۱.....
- گفتار چهارم: بطلان به علت عدم قدرت بر تسلیم مبیع..... ۸۳.....
- گفتار پنجم: بطلان به دلیل غرری بودن..... ۸۷.....
- بند اول: تعریف غرر و بیع غرری..... ۸۸.....
- بند دوم: حکم معامله غرری..... ۹۰.....
- بند سوم: رابطه معامله سفهی با معامله غرری..... ۹۱.....
- مبحث دوم: نظریه صحت معاملات سفهی..... ۹۵.....
- گفتار اول: انتقاد از دلایل قائلین به بطلان معاملات سفهی..... ۹۵.....
- بند اول: نقد دلیل فقدان منفعت و مالیت مورد معامله..... ۹۵.....
- بند دوم: نقد دلیل ملک نبودن مورد معامله..... ۱۰۱.....
- بند سوم: نقد دلیل فقدان قدرت بر تسلیم..... ۱۰۴.....
- گفتار دوم: استناد به ادله عام نفوذ معاملات..... ۱۰۵.....
- بند اول: دلیل اوفوا بالعقود..... ۱۰۶.....
- بند دوم: تجاره عن تراض..... ۱۰۸.....
- بند سوم: قاعده المؤمنون عند شروطهم..... ۱۱۰.....
- بند چهارم: قاعده تسلیط..... ۱۱۲.....

فصل سوم: آثار معاملات سفهی

- مبحث اول: در عقود معاوضی..... ۱۲۱.....
- گفتار اول: رابطه بین طرفین قرارداد سفهی..... ۱۲۱.....
- بند اول: ید ضمانی خریدار..... ۱۲۲.....
- ۱- قاعده مایضمن..... ۱۲۲.....

- ۲- قاعده اقدام..... ۱۲۴
- ۳- قاعده ضمان ید..... ۱۲۴
- بند دوم: ید امانی خریدار..... ۱۲۵
- بند سوم: تفصیل بین جهل و عمد..... ۱۲۶
- گفتار دوم: حدود مسئولیت قابض..... ۱۲۷
- بند اول: حدود مسئولیت متصرف در خصوص عین..... ۱۲۸
- بند دوم: حدود مسئولیت متصرف در مقبوض به عقد فاسد در خصوص منافع..... ۱۳۱
- مبحث دوم: در عقود غیر معاوضی و اذنی و شروط ضمن عقد..... ۱۳۲
- گفتار اول: عقود غیر معاوضی و اذنی..... ۱۳۴
- گفتار دوم: شروط ضمن عقد..... ۱۳۵
- نتیجه..... ۱۳۹
- فهرست منابع و مآخذ..... ۱۴۲

الف- طرح موضوع و اهمیت آن:

بدون شک طبق اصل حاکمیت اراده، قصد و اراده منبع هر حق و تکلیف می باشد. بشر هنگامی می تواند ابتکار، خلاقیت و شایستگی خود را در فعالیت های اقتصادی نشان دهد که آزادانه قرارداد ببندد و فعالیت های خویش را به دلخواه تنظیم کند.

مطابق اصل آزادی قراردادها طرفین آزاد خواهند بود به هر شکل که مایل هستند قرارداد بسته و کلیه حقوق و تعهدات و تکالیف خود را مشخص کنند. اصل آزادی قراردادی نتایجی همانند انعقاد قرارداد و تعیین آثار آن، کافی بودن تراضی در انعقاد قرارداد عدم لزوم تشریفات خاص، الزام طرفین به رعایت مفاد قرارداد و رعایت اصل نسبی بودن قراردادها نسبت به طرفین قرارداد را به همراه دارد.

گاهی ممکن است معاملاتی بین افراد واقع شود که در آن معاملات، تعادل ارزش عوضین به نحو بارزی برهم خورده است به گونه ای که یکی از طرفین این گونه معاملات به طور آگاهانه معامله را به گونه ای که به ضرر خویش است منعقد ساخته است.

بعضی از نمونه های معاملات سفهی همانند برعهده گرفتن مهریه های سنگین از طرف شوهر در ازدواج، در حال حاضر در جامعه رواج بسیاری پیدا کرده است و همچنین موارد دیگری از چنین معاملاتی در جامعه جریان دارد که شبیه سفهی بودن در آنها وجود دارد. در چنین مواقعی از یک طرف می توان گفت هدف و بنای عقلاء و قانونگذار از انعقاد قرارداد حفظ و پایبندی به مفاد قرارداد و شرایط و آثار آن می باشد و لذا بایستی به چنین عقود پایبند بود.

از طرف دیگر انصاف و عدالت در معاملات و قراردادها حکم می کند که طرفین یک قرارداد از حقوق و تکالیف مساوی و برابری برخوردار باشند و تعادل بین ارزش عوضین حفظ شود. از اینرو در چنین معاملاتی بایستی قائل به بطلان بود.

قانونگذار ایران به رغم اینکه همواره تحت تاثیر فقه امامیه بوده است اما در خصوص احکام مربوط به این معاملات چیزی در قوانین مدون نیامده است و در کتب حقوقی هم صحبتی از این

گونه معاملات به میان نیامده است. به همین دلیل ضرورت بررسی مفهوم و ماهیت دقیق این نوع معاملات و آثار آنها جهت پاسخگویی به یک مسأله مبتلابه احساس می شود. بنابراین بررسی موضوع این پایان نامه کاربرد نظری و عملی خواهد داشت.

ب- شیوه تحقیق

در این تحقیق که به روش کتابخانه ای می باشد برای روشن شدن مفهوم و ماهیت معاملات سفهی از نظر فقه و حقوق به بررسی این موضوع در کتابهای فقهی و کتب حقوقی پرداخته شده است.

ج- پیشینه تحقیق

در کتب فقهی معاملات سفهی به صورت مفصل مورد تجزیه و تحلیل قرار نگرفته است و صرفاً به صورت پراکنده و مختصر در قالب موضوعات عام تر از قبیل شرایط عوضین در معاملات در خصوص این موضوع بحث شده است و تنها در کتاب عناوین مبحث جداگانه ای به این گونه معاملات و ماهیت آنها اشاره شده است.

در کتب حقوقی نیز هرچند حقوق ایران همواره تحت تاثیر فقه امامیه بوده است اما در خصوص مفهوم و ماهیت معاملات سفهی و آثار آنها، صحبتی به میان نیامده است و به طور کامل مختصر می توان نکاتی را از کتب حقوقی در این خصوص پیدا نمود. همچنین این موضوع در پایان نامه و مقاله مستقلی نیز مورد بحث قرار نگرفته است.

د- تعریف مسأله و بیان سؤال های اصلی تحقیق

معاملات سفهی، معاملاتی است که از طرف اشخاص غیرسفیه (یعنی عاقل، کامل و بالغ) واقع می شود و غیر از معامله سفیه است. به عبارتی معامله سفهی، معامله شخص دارای اهلیت است که به دلایلی از جمله مسامحه و عدم رعایت غبطه خود، تعهدات گزافی را می پذیرد بدون اینکه معادل آن عوض را دریافت دارد.

برخی سؤالات اساسی که تحقیق حاضر در پی رسیدن به پاسخی برای آنها می باشد

عبارتند از:

۱- معامله سفهی چیست و عناصر آن کدامند؟

۲- قلمروی معاملات سفهی چیست؟

۳- مصادیق معامله سفهی شامل چه مواردی است و آیا برعهده گرفتن مهریه های سنگین از طرف زوج سفهی می باشد یا خیر؟

۴- آیا معاملات سفهی، معاملات صحیح هستند یا اینکه بایستی باطل به شمار آیند؟

۵- اثر معاملات سفهی در روابط بین طرفین چگونه است؟

ه-فرضیه ها

۱- معامله سفهی، معامله ای است که در آن عوضین به نحو فاحشی با همدیگر نابرابر هستند و شخص متضرر با علم و آگاهی چنین معامله ای را منعقد نموده است و عنصر اصلی آن عدم تعادل اقتصادی بین عوضین است.

۲- همانگونه که عقود ممکن است به صورت سفهی واقع شوند ممکن است ایقاعات و شروط ضمن عقد نیز در مواردی سفهی باشند.

۳- به نظر می رسد که بارزترین مصداق معامله سفهی جامعه کنونی وضعیت مهریه های سنگین می باشد.

۴- اگرچه نظرات متفاوتی در این زمینه وجود دارد به نظر می رسد که این معاملات، معاملات صحیحی نیستند.

۵- اثر معاملات سفهی بستگی به این دارد که این معاملات را صحیح بدانیم یا باطل. که در صورت اول آثار آن مانند آثار معاملات صحیح خواهد بود و در صورت دوم معامله باطل اثری در تملک نخواهد داشت.

و- تقسیم بندی مطالب

در این راستا مطالب مرتبط با موضوع تحقیق در سه فصل زیر به طور جداگانه مورد بررسی قرار گرفته است:

۱- کلیات که شامل مفهوم، عناصر و ارکان، قلمرو و مصادیق معامله سفهی می باشد.

۲- صحت و بطلان معاملات سفهی با ذکر مبانی و دلایل قائلین به صحت و بطلان از دیدگاه حقوقدانان و فقها.

۳- آثار معاملات سفهی در قالب عقود معاوضی، عقود غیرمعاوضی و شروط ضمن عقد.

فصل اول - کلیات

مبحث اول - مفهوم معامله سفهی

گفتار اول - تعریف معاملات سفهی

قبل از اینکه مفهوم معامله سفهی بیان شود جهت روشن شدن این مفهوم بایستی عناوین و مفاهیم مرتبط با این مفهوم از قبیل سفه، رشد، سفیه و رشید تعریف گردد تا بتوان مفهوم معامله سفهی را با توجه به این عناوین بیان کرد.

بند اول - رشد

رشد در لغت به ضمّ راء و سکون شین مصدر «رشد» به معنای استقامت، استوار شدن، راهیابی، به راه شدن، راه یافتن، راه راست یافتن و هدایت شدن است.^۱
در لغت نامه دهخدا در تعریف رشد عبارت ذیل آمده است:
تمیز نیک و بد، استقامت بر راه حق و تصلب در آن، استقامت در طریق حق و قرار و پایداری در آن، رستگاری، مقابل غی، خلاف گمراهی و نابسامانی و نابراهی.

۱. محمد علی طاهری و مسعود انصاری، دانشنامه حقوق خصوصی ج ۲، (تهران: انتشارات محراب فکر، چاپ اول، ۱۳۸۴ ه.ش)، ص ۲۴۱.

فصل اول - کلیات

مبحث اول - مفهوم معامله سفهی

گفتار اول - تعریف معاملات سفهی

قبل از اینکه مفهوم معامله سفهی بیان شود جهت روشن شدن این مفهوم بایستی عناوین و مفاهیم مرتبط با این مفهوم از قبیل سفه، رشد، سفیه و رشید تعریف گردد تا بتوان مفهوم معامله سفهی را با توجه به این عناوین بیان کرد.

بند اول - رشد

رشد در لغت به ضمّ راء و سکون شین مصدر «رشد» به معنای استقامت، استوار شدن، راهیابی، به راه شدن، راه یافتن، راه راست یافتن و هدایت شدن است.^۱ در لغت نامه دهخدا در تعریف رشد عبارت ذیل آمده است:

تمیز نیک و بد، استقامت بر راه حق و تصلب در آن، استقامت در طریق حق و قرار و پایداری در آن، رستگاری، مقابل غی، خلاف گمراهی و نابسامانی و نابراهی.

۱. محمد علی طاهری و مسعود انصاری، دانشنامه حقوق خصوصی ج ۲، (تهران: انتشارات محراب فکر، چاپ اول، ۱۳۸۴ ه.ش)، ص ۱۰۲۴.

در لسان العرب آمده^۱: الرشد نقیض الغی والضلال: یعنی رشد نقیض گمراهی است و کسی دارای رشد است که راه را پیدا کرده و گمراه نباشد.

در قانون مدنی کلمه رشد تعریف نشده است لیکن در کتب متعددی که به توضیح و تعریف واژه رشد پرداخته اند. تعبیر مختلفی در مورد آن به کار برده اند ولی با اندک تأملی در آنها به خوبی می توان دریافت که تمامی آنها به یک معنی اشاره دارند هرچند تعبیر ممکن است متفاوت باشند.

بعضی حقوقدانان با استفاده از مفاد ماده ۱۲۰۸ که مفهوم غیر رشید را بیان کرده است رشد را چهره ای از عقل می دانند که شخص را از تباه کردن اموال خود باز می دارد.^۲

بعضی نیز در تعریف رشد گفته اند رشد کیفیت نفسانی است در انسان که از افساد مال و صرف کردن آن در راههایی که شایستگی اعمال عقلاء را ندارد جلوگیری می کند.^۳

در تعریف دیگری نیز گفته شده است رشد عبارت است از توان بالایی از اندیشه که شخص به کمک آن می تواند به طور متعارف امور مالی خود را در جهت مصلحت خویش اداره کند و رشید کسی است که از چنین توان اندیشه ای برخوردار باشد.^۴

در کتب فقهی نیز تعاریف متعددی از سفه و رشد بیان گردیده است که به ذکر چند نمونه از آنها بسنده می شود.

شهید ثانی می فرماید: «... بأن یصلح ماله بحیث یکون له ملکه نفسانیة تقتضی اصلاحه و تمتنع افساده و صرفه فی غیرالوجوه اللاتقه بأفعال العقلاء، لا بمطلق الصلاح».^۵

یعنی رشد آن است که بتواند به گونه ای که صلاح و مصلحت است در اموال و دارایی های خود تصرف کند به گونه ای که در او ملکه نفسانی باشد که مقتضی اصلاح مال و مانع از تباه کردن و مصرف نمودن آن در غیر موارد عقلایی گردد و مطلق اصلاح مال نیست بلکه لازم است این امر به

۱. ابن منظور الافریقی، لسان العرب، ج ۳ (بیروت: الطباعة دار صادر، الطبعة الاولى، ۱۴۱۰ ه. ق.)، ص ۱۷۵.

۲. ناصر کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها ج ۲ (تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم، ۱۳۷۱ ه. ش.)، ص ۲۶.

۳. سیدحسن امامی، حقوق مدنی، ج ۵ (تهران: انتشارات اسلامی، چاپ هشتم، سال ۱۳۷۲)، ص ۲۵۵.

۴. مهدی شهیدی، تشکیل قراردادها و تعهدات، ج ۱ (تهران: انتشارات مجد، چاپ دوم، ۱۳۸۰)، ص ۲۴۴.

۵. شهیدثانی، شرح اللمعه، ترجمه علی شیروانی، ج ۷، (قم: انتشارات دارالعلم، ۱۳۷۸) ص ۱۲۸ و ۱۲۹.

صورت ملکه نفسانی درآید. ایشان سپس می فرمایند که در تحقق رشد عدالت معتبر نیست و لذا در نظر ایشان پس از اینکه ملکه نفسانی که مانع از تباه کردن مال می شود به همراه بلوغ در شخص محقق شود حجر او برطرف می گردد هر چند شخص بالغ فاسق باشد لیکن برخی فقها عدالت را هم در تحقق رشد معتبر می دانند. بنابراین شخص فاسق از نظر آنان سفیه است.

در جواهرالکلام آمده: «... هو ان یکون مصلحاً لماله...» و نیز گفته شده «انه العقل و اصلاح المال» و همچنین از قول صاحب قواعد و دیگران نقل شده است که: «انه کیفیة نفسانیة تمنع من افساد المال و صرفه فی غیرالوجوه الالائقه بأفعال العقلاء...»^۱

تمیز رشد معیار علمی و ثابت ندارد و در این راه ناچار بایستی داوری عرف را پذیرفت به طوری که برای تشخیص رشد بایستی توجه شود که آیا شیوه اداره اموال شخص در دیدگاه عرف به گونه ای است که بتوان گفت که مال خود را تباه نمی کند و به شیوه خردمندان در اصلاح آن می کوشد یا باید او را در زمره سفیهان آورد.^۲

در کتب فقهی نیز ملاک و مناط در معنا و مفهوم رشد، عرف ذکر گردیده است و ایشان نیز معتقدند یک ضابطه کلی و مشخصی در تعریف رشد وجود ندارد و نسبت به اشخاص و زمان و مکان متفاوت است.^۳

زابطه رشد و عقل غیر قابل انکار است. به همین جهت نیز پاره ای از نویسندگان حقوقی سفیه را به ناقص العقل تعبیر کرده اند، واقع نیز همین است. منتها همانگونه که در جنون نیز رفتار ناهنجار دیوانگان مظاهر گوناگون دارد. سفه نیز نوعی از کم عقلی است که در اداره اموال بروز می کند. از همین جا است که در عرف می گویند سفیه عقل معاش ندارد.^۴

با توجه به تعاریفی که اجمالاً از رشد گفته شد تعریف رشید نیز بدست می آید: رشید کسی است که نفع و ضرر در دادوستد را بداند، او را عاقل بالغ کامل گویند. هر رشیدی عاقل است ولی هر

۱. شیخ محمدحسن نجفی، جواهرالکلام، ج ۲۶، (تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۶۷) ص ۴۸ و ۴۹.

۲. ناصر کاتوزیان، همان، ص ۲۷.

۳. شیخ محمد حسن نجفی، همان، ص ۵۳.

۴. ناصر کاتوزیان، همان، ص ۲۸.

عاقل رشید نیست مانند سفیه که عاقل محسوب است ولی رشید نیست به همین جهت عنوان کمال عقل را برای رشید به کار برده اند.

طبق این تقسیم بندی می توان گفت عاقل بر دو قسم است: ۱- عاقل رشید. ۲- عاقل غیررشید یا سفیه.

و از اینجا می توان گفت که سفیه به موردی گفته می شود که بعد از رشد سفیه عارض شده باشد زیرا درباره صغیر عقل مصداق پیدا نمی کند.^۱

خاطرنشان می شود که استقلال مفهوم رشد در برابر بلوغ جسمی ایجاب می کند که رشد کودکان بالغ نیاز به اثبات داشته باشد^۲ که البته در این خصوص مباحث فراوانی مطرح شده است که در این تحقیق مجال آن نیست.

بند دوم - سفیه

سفیه در لغت به معنای جهل، نادانی (ضد حلم) و کم خردی است^۳ و سفیهی به معنای بی خردی، نادانی و سفاهت می باشد.^۴

فقها و حقوقدانان تعاریف متعددی در خصوص سفیه نموده اند که البته تمامی این تعاریف به مفهوم واحدی اشاره دارد. در ذیل چند نمونه از این تعاریف ذکر می گردد.

در مجمع الفائدة والبرهان^۵ چنین آمده است: «و اما حقیقت سفیه، پس آن از تعریف رشد که مقابل آن است معلوم می شود و این همان است که مصنف به آن اشاره فرمود که سفیه کسی است که اموالش را در غیر اغراض صحیح یعنی در غیر مواردی که از نظر عقلاء صحیح است نسبت به وضعیت او صرف می کند.»

۱. محمد جعفر جعفری لنگرودی، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۳، (تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۸)، واژه ۷۶۳۲.

۲. ناصر کاتوزیان، همان، ص ۲۸.

۳. محمدعلی طاهری، همان، ص ۱۰۷۶.

۴. علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج ۹، (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ ه.ش)، ص ۱۳۶۷۷.

۵. مقدس اردبیلی، مجمع الفائدة والبرهان، ج ۹، (قم: موسسه النشر الاسلامی، الطبعة الاولى، ۱۴۱۲ ه.ق)، ص ۲۱۰.

در جواهرالکلام آمده: «و اما سفیه نسبت به مال، پس او مقابل رشید است و عبارت است از کسی که اموالش را در اهداف غیر صحیح در نزد عقلاء مصرف می کند ولو اینکه آن عقلاء دنیادوست باشند. از آن جهت که دانستی که رشد اصلاح مال است و حصول تحقق آن فقط به صرف نکردن مال در اغراض غیر صحیح می باشد.»^۱

امام خمینی در تعریف سفیه می فرماید: «سفیه آن کسی است که دارای حالتی نمی باشد که موجب حفظ مال و توجه به حالاتش شود. مال را در غیر جای خود صرف نموده و در غیر محلش تلف می کند و معاملاتش مبنی بر کسب سود و حفظ از غبن و ضرر نیست. باکی ندارد از اینکه در معامله فریب بخورد. ...»^۲

حقوقدانان نیز تعاریف مشابه ای از سفیه ارائه کرده اند. از نظر ایشان سفیه عبارت است از عدم رشد یا صفت شخصی بالغ (کبیر) که تصرفات او در اموال و حقوق مالی خویش جنبه عقلایی نداشته باشد. رشد عکس سفیه است. (ماده ۱۲۰۸ ق.م.)^۳

بعضی نیز اظهار می دارند سفیه عبارت از کیفیت نفسانی است که اموال و حقوق مالی خود را در راههایی که شایستگی اعمال عقلاء را ندارد مصرف می نماید از قبیل مصرف نمودن دارایی خود در خوراک و پوشاک و مسافرت هایی که شایستگی مقدار دارایی و وضعیت اجتماعی او نمی باشد بطوری که عرف او را تخطئه می کند و ایراد و اعتراض می نماید.^۴

به عقیده برخی حقوقدانان غیر رشید با سفیه مترادف است^۵ لیکن برخی حقوقدانان غیر رشید را اعم از سفیه می دانند. به عقیده این گروه غیر رشید کسی است که بعد از بلوغ نیز شایستگی اداره اموال خود را ندارد. خواه در امور غیر مالی نیز رشد کافی پیدا کرده باشد یا عقب

۱. شیخ محمدحسن نجفی، همان، ص ۵۲.

۲. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲ (قم: انتشارات موسسه العروج، چاپ اول، ۱۳۷۹ ه.ش)، ص ۱۶.

۳. محمدجعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق (تهران: کتابخانه گنج دانش، چاپ نوزدهم، ۱۳۸۷ ه.ش)، واژه ۲۸۶۴.

۴. سیدحسن امامی، همان، ص ۲۶۹.

۵. سید حسین صفایی، حقوق مدنی، اشخاص و مجبورین، (تهران: انتشارات سمت، چاپ ششم، ۱۳۸۰ ه.ش)، ص ۲۳۸ و سیدحسن امامی، همان، ص ۲۶۹.